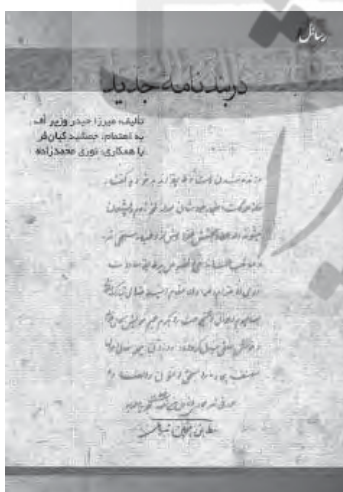


و آیین مملکتداری است. در این میان، جامع‌التواریخ برجستگی خاصی دارد. البته این اثر تألیف مستقیم خود او نیست، بلکه توسط گروهی از محققان و مترجمان و زیر نظر وی آماده شده است.

رشیدالدین نخست به فرمان غازان خان، تألیف تاریخ مغول را آغاز کرد، اما پیش از به پایان رساندن آن، غازان خان در سال ۷۰۴ ق درگذشت. این تاریخ در دوره جانشین و برادر وی، سلطان محمد اولجایتو به انجام رسید. سپس رشیدالدین از سوی اولجایتو مأمور شد تا تاریخی عمومی تألیف کند. او این کار بزرگ را شروع کرد و تألیف جامع‌التواریخ پس از پنجاه سال به پایان رساند.

اثر حاضر بخش مربوط به تاریخ بنی اسرائیل و سراسر انباشته از اساطیر و داستان‌های این قوم است. این اثر برای نخستین بار است که بر اساس معتبرترین نسخ تصحیح و به زیور طبع آراسته می‌شود.

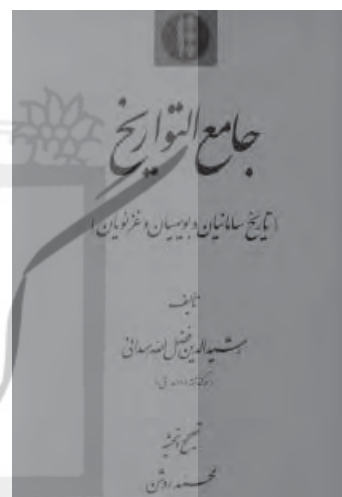
دربندنامه جدید، میرزا حیدر وزیراف، به اهتمام جمشید کیانفر، با همکاری نوری محمدزاده، ۱۳۸۶ش، ۱۰۸ص.



دربندنامه جدید تألیف میرزا حیدر وزیراف اثر جدیدی است درباره دربند که از عهد باستان تا سال ۱۲۶۲ق را شامل می‌شود. مؤلف بنای شهر دربند را به گشتاسب پادشاه افسانه‌ای و اسطوره‌ای ایران نسبت می‌دهد، ولی اهمیت اثر حاضر، بخش پایانی آن است، به‌ویژه از آمدن پطر اول به دربند و توجه روس‌ها بدین شهر تاریخی، و وقایعی که در تاریخ معاصر ایران منجر به جداسدن این شهر از ایران شد.



جامع‌التواریخ (تاریخ بنی اسرائیل)، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، ۱۳۸۶ش، ۴۸۸ص.



خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (درگذشته ۷۱۸ق) طبیب عالم و مورخ دانشمند در سراسر دوره سلطنت غازان خان و جانشین او اولجایتو و در ابتدای سلطنت ابوسعید مقام وزارت ایلخان را داشت. او به واسطه علم و مهارتی که در طب داشت به دربار ایلخان راه یافت و در سایه تدبیر و سیاست به مرتبه والایی رسید. رشیدالدین به عنوان مورخی برجسته مقامی ممتاز دارد و تألیفات تاریخی وسیعش به لحاظ وسعت و اعتبار و شیوه علمی اعجاب و تحسین محققان را برانگیخته است.

این وزیر دانشمند آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که بخشی در حوزه تاریخ، شماری در معارف دینی نظیر تفسیر، علوم قرآن و احکام و اندکی در طب





در این مقاله نویسنده کوشیده است مفاهیم سه‌گانه نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه (و یا مفهوم‌ها و تعبیرهای مشابه و نزدیک به آنها) را در افکار و آثار مولوی — به ویژه در مثنوی معنوی — ردیابی و با ارائه شواهد مثال تحلیل کند.

— صورت و حقیقت نزد مولانا جلال‌الدین بلخی رومی، نجدت طوسون

گذر از صورت و ظاهر امور و وقایع در مسیر رسیدن و آگاهی به حقیقت نزد مولانا در مثنوی از اهمیت زیادی برخوردار است. این مقاله شواهدی را بر اثبات این مسئله از داستان‌های مثنوی به دست داده است.

— دغدغه‌های بنیادین انسان در آموزه‌های مولانا، علیرضا خواجه‌گیر

در عرفان اسلامی انسان موجودی ذومراتب و دارای ساحت‌های وجودی مختلف است که هر یک از آنها در پیچ‌های به وجود پر رمز و راز این معمای هستی است. در میان عارفان مسلمان چهره مولانا جلال‌الدین رومی در کشف رازهای درونی انسان و گشودن اسرار وجودی او بسیار برجسته است. مولوی با بهره‌بردن از تعالیم عمیق دینی و تجربیات عارفان پیش از خود و آمیختن آنها با تجربیات عرفانی خویش، توانست انسانشناسی عرفانی بسیار متعالی و عمیقی را در آثار منثور و منظوم خویش به بشریت عرضه کند.

مولوی با تفکیک خود حقیقی و خود مجازی انسان و شناخت آثار زیانبار غفلت انسان از ساحت الهی خویش، موانعی را که باعث این غفلت و دوری انسان از گوهر حقیقی خود می‌شود، در مکتب عرفان عشقی خویش به بهترین وجهی به تصویر کشیده و همچون طبیبی روحانی توانسته است با کشف علل واقعی درد و رنج انسان غذاهای حقیقی روح انسان را شناسایی و به بشریت عرضه کند.

— آفتاب در آینه (بررسی تطبیقی نظرات مولوی و ترزا آویلابی درباره خدا)، بخشعلی قنبری

در میان سنت‌های بزرگ الهی دو سنت مسیحیت و اسلام عارفان زیادی به جهان انسانیت عرضه کرده‌اند.

آینه میراث، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۸)، ویژه‌نامه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

سی‌وهشتمین شماره فصلنامه آینه میراث، ویژه‌نامه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با این مقالات منتشر شد:

— دولت فقر (مفهوم فقر در زبان اهل معرفت)، محمود عابدی

بیشتر مشایخ، فقر را به عنوان کلمه‌ای که مفهوم آن بدیل تصوف است، می‌شناخته‌اند و آن را در خور توضیح می‌دیده‌اند. از گویندگان نامبردار فارسی‌زبان سنایی، عطار و مولوی نیز سخنان، تمثیل‌ها و حکایت‌هایی در کشف حقیقت فقر در دست است؛ اما در این میان، سخنان مولانا حکایت دیگری دارد. از آنهاست حکایتی که در پیچ و خم آن اسرار گوناگونی مندرج است و از جمله آن اسرار، سر فقر است، فقری که فناست و سرمایه بازگشت به اصل خویش. این حکایت، حکایت طوطی و بازرگان است.

— مفاهیم «نفس اماره»، «نفس لوامه» و «نفس مطمئنه» در اندیشه‌های مولوی، احمد کتابی

مفاهیم نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه از مفاهیم بسیار مشهور و رایج در حوزه‌های اخلاق، عرفان و معرفت‌النفس اسلامی است که از قضا با مفهوم‌های نهاد، خود و فراخود در روانشناسی جدید وجوه تشابه و اشتراک زیادی دارد؛ تا آنجا که شاید، به مسامحه، بتوان «نهاد» را با «نفس اماره» و «فراخود» را با «نفس لوامه» کم و بیش تطبیق داد و یا لاقلاً تشبیه و مقایسه کرد.

از مهم‌ترین آنها می‌توان به مولوی و ترزا آویلایی اشاره کرد. هر یک از این دو عارف راجع به خدا سخنان نغزی گفته‌اند و نظرات جالب توجهی ابراز کرده‌اند: هر دوی آنها وجود خدا را مفروض گرفته، او را موجودی قابل شناخت دانسته، و او را موجودی متشخص در نظر گرفته‌اند، به گونه‌ای که در هر زمان و مکانی می‌توان با او رابطه برقرار کرد و از او مدد جست. البته گاه میان نظرات این دو عارف در موضوع خدا تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود که از آن جمله به نگرش آنها درباره توحید عقلائی می‌توان اشاره کرد. مقاله حاضر همه این موارد را بررسی می‌کند.

- زبان عرفانی در اندیشه مولانا، علی تاجدینی

نسبت «قالب و محتوا»، «زبان و اندیشه»، «پیام و تکنیک» از موضوعات جدید است که روزبه‌روز بر وسعت مطالعات آن اضافه می‌شود. معانی و محتوای اندیشه‌ها متناسب با جنسی که دارند ظرف مناسب خود را می‌طلبند. زبان فیزیک با علم فیزیک، زبان فلسفه و اصطلاحات خلق شده در فلسفه با اندیشه فلسفی و زبان عرفانی با عالم کشف و شهود سالک نسبتی تنگاتنگ دارد. نمی‌توان اندیشه عرفانی را با زبان ریاضیات تبیین کرد و یا بالعکس.

زبان عارفان از جنس زبان وحی و زبان هنر است. وحی و عرفان و هنر با یکدیگر خویشاوندند. از این رو عارفان خود معتقدند در میان طوایف سلوک از فلاسفه و متکلمین و عرفا هیچکدام مانند عارفان به متن و زبان دین نزدیک نشده‌اند. مقاله حاضر ماهیت زبان عرفانی را در آثار مولانا به‌ویژه مثنوی معنوی تحقیق کرده است.

- مثنوی: انگیزته‌ای آموخته یا آموخته‌ای انگیزته؟

میرجلال‌الدین کزازی

مثنوی مولانا یکی از شگفت‌انگیزترین شاهکارهای ادبی ایران و جهان است که آن را از دیدگاه‌های گوناگون می‌توان کاوید و بررسید؛ اما آنچه پیش و بیش از هر شگفتی دیگر از این نامه نامدار راز در پیوسته‌ای دیگرسان و بی‌همتا ساخته است، شیوه پیدایی و ساختار آن است. در مثنوی، دو سوی‌مندی ناساز با هم گرد آمده است: آموختگی و انگیزختگی. مثنوی، توأمان، هم آموختاری

است هم انگیزختاری. در این جستار، این پدیده شگرف ادبی که سازواری در ناسازواری است، در مثنوی که گرامی‌ترین و گرانمایه‌ترین نامه نهانگرایی ایرانی است، بررسی شده و بازنموده شده است.

- خداشناسی علوی در مثنوی مولوی، احد فرامرز قراملکی و محمدجواد فلاح

خداشناسی مولوی از مباحث مهم در شناخت اندیشه‌های مولاناست. جلال‌الدین مولوی در شناخت خدا به طریق کدام مشرب و طایفه گام برمی‌دارد؟ آیا خداشناسی وی فلسفی است یا کلامی یا عرفانی و یا...؟

مقاله حاضر مطالعه موردپژوهانه در بازتاب روایت معروف از امیر مؤمنان علی (ع) «عرفت الله بفسخ العزائم»، نحوه تأثیر خداشناسی مولوی از امام علی (ع) را توضیح می‌دهد. مولوی در مواضع مختلف این روایت را با تمثیل‌های گوناگون می‌آورد. وی شرط شناخت خدا به وسیله «فسخ عزم» و «شکستن همت» را برخوردار از نگاه «از اوی» و چشم عاشقانه می‌داند. بر این اساس فرایند شناخت خدا بر اساس فسخ عزائم چنین است که فرد با نگاه عاشقانه بی‌مرادی را آینه جمال معشوق می‌یابد و شکسته‌شدن عزم را عزم‌شکنی او می‌بیند و در واقع آفتاب را دلیل آفتاب قرار می‌دهد؛ این تحلیل، روایت را از برهان إن به طریق متکلمان و فیلسوفان فراتر می‌برد. شناخت خدا در چنین فرایندی شناخت ابتدایی و آنی نیست، بلکه شناخت اشتدادی و مستمر است. آفتاب آمد دلیل آفتاب، خود بازتاب روایت از امام علی (ع) است که در جواب «لم عرف ربک؟» فرمود: بما عرفنی نفسه.

- ساختار کلی دفتر سوم مثنوی مولوی، سید سلمان صفوی

در این مقاله برای اولین بار متدلوژی جدید ساختار و سازمان دفتر سوم مثنوی مولوی با «رویکرد کل‌نگرانه» تبیین شده است. بر این اساس دفتر سوم مثنوی دارای دوازده گفتمان در سه بلوک است که در پارالل با یکدیگرند و به ترتیب به معرفی عقل جزئی، عقل ربانی و عقل کلی و چگونگی گذار عقل جزئی به عقل ربانی می‌پردازد.



– ساختار کلی دفتر ششم مثنوی مولوی، سید سلمان صفوی

در این مقاله، ساختار کلی دفتر ششم مثنوی بررسی می‌شود. به این ترتیب که با تجزیه و تحلیل هر بخش و تعیین روایی یا موضوعی بودن آن، بخش‌های مرتبط با یکدیگر برای ایجاد واحدهای بزرگ‌تر به نام «گفتمان» (discourse) مشخص می‌گردد. دفتر ششم مثنوی شامل دوازده گفتمان بلند است که عنصر وحدت روایی در آن ضعیف است. پس از مشخص کردن این واحدهای بزرگ‌تر، رابطه بین بخش‌های یک گفتمان و ارتباط موضوعی آنها با یکدیگر تجزیه و تحلیل و نهایتاً منجر به کشف بزرگ این تحقیق یعنی کشف ساختار کلی دفتر ششم می‌شود.



با داستانی از مثنوی معنوی با همین مضمون به شباهت خارق‌العاده این دو اشاره کرده و قدمت متن مثنوی را یادآور شده است. در متن دیگر داستان ربی آیزیک از میرچا الیاده با دو روایت فارسی، یکی در عجایب‌نامه و دیگری در مثنوی بررسی تطبیقی می‌شود و شباهت آنها بر قدمت متون فارسی صحنه می‌گذارد.

– تأویل گرای مولانا: نگرشی دو سویه در مثنوی، مریم دانشگر

یکی از مباحثی که در حوزه تحقیقی مثنوی‌شناسی می‌توان به آن پرداخت، بحث تأویل و چندمعنایی متن است که مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در برخی از ابیات مثنوی آن را صریحاً نفی می‌کند.

اما پس از تفحص در مثنوی، به مضامین فراوانی در داستان‌ها، و نیز به ابیاتی متعدد برمی‌خوریم که بیانگر تأویل‌گری و نگرش باطنی جلال‌الدین است. در واقع قصه‌های مثنوی در اکثر موارد مانند یک منشور چند وجهی است که بنا بر حال و مقال یکی از وجوه آن به نمایش درمی‌آید و سراینده برای دستیابی به اهداف ویژه خود، بی‌هیچ مانع و پرهیزی میدان سخن را درمی‌پیماید. گواه این سخن، نگاه تازه و سرشار از طراوت جلال‌الدین بلخی است که در جای جای کتاب شریف مثنوی قابل بررسی است. در این مقاله سعی شده است چگونگی «نگرش دوسویه مولانا» بررسی شود و حضور تأویل‌گرایانه تفکر او که در پس اندیشه‌های تشریح‌مآبانه پنهان شده است، پیدا آید.

– دو متن غربی و مثنوی معنوی (یک بررسی تطبیقی)، جلیل نوذری

نمایشنامه Everyman و داستان ربی آیزیک دو متن ادبی غربی‌اند که بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند به طوری که تاکنون بارها به شیوه‌های مختلف در نمایشنامه‌ها و مکتوبات ارائه شده‌اند.

Everyman در قرن‌های پانزدهم یا شانزدهم نوشته شده و گذشته از شباهت آن به متن هلندی که آن هم در پایان قرن پانزدهم نوشته شده است، نسخه اولیه آن هنوز به دست نیامده و مشخص نیست که در چه سالی و یا از کجا تهیه شده است. نگارنده پس از بررسی این داستان

– ابهام و دوگانگی زبان در مثنوی مولانا، علی بادامی
مولوی در مثنوی بارها تأکید کرده است که تجربه عرفانی گفتنی و توصیف‌کردنی نیست و اسرار حتی در زبان نمی‌گنجد. اما عشق حق در درون او چنان غوغایی به پا کرده است که بی‌اختیار اسرار را بیان می‌کند. تدبیری که او در برابر این مشکل نگفتن و کشش گفتن می‌اندیشد این است که نقد حال خویش را در حدیث دیگران بازگوید و از معشوق در پرده سخن بگوید.

عارفان برای بیان حقیقت مطلق که دور از دسترس فهم و ادراک انسان است، ناچار از زبان رمز و تمثیل استفاده می‌کنند و مقاصد خویش را در پرده بازگو

می‌کنند. مولانا نیز همواره مقاصد خویش را در پرده رمز و مثل پنهان می‌سازد.

همچنین استفاده از اشعار سایر شاعران ادب فارسی‌گو و بالاخره تصحیح‌های انتقادی و اجتهادی «اسرار» در مورد متن مثنوی مولوی درخور توجه است.

– مقایسه دو داستان عامیانه نوش‌آبادی با قصه موسی

و شبان مثنوی معنوی، محمد مشهدی نوش‌آبادی داستان موسی و شبان مثنوی که مواجهه عامیانه عبد و معبود است، تصویرگر دو نوع گرایش عامیانه و شریعتمدارانه است که در فرهنگ اسلامی و ادیان توحیدی سابقه دارد. چنانکه برخی از داستان‌های قوم یهود به عنوان مأخذ این داستان مورد توجه است.

– تأملی در کتابشناسی مولوی، یدالله نصراللهی شناخت هرچه بهتر مولوی منوط به آشنایی با کتاب‌شناختی آثار مربوط به اندیشه این شاعر بنام ایرانی است. بدین منظور این مقاله می‌کوشد که پس از طرح اهمیت شناخت کتابشناسی برای شناخت مولوی و اندیشه او برای پژوهشگران حوزه علوم انسانی به نمونه‌ای از کتابشناسی‌های مولوی که تاکنون نگاشته شده است بپردازد.

همچنین این داستان در بین توده مردم نفوذ کرده است و صورت‌های مختلفی از آن در افواه عامه شهرت دارد. در این مقاله دو داستان عامیانه نوش‌آبادی که ظاهراً برگرفته از مثنوی معنوی است با داستان موسی و شبان مثنوی مقایسه شده است.

در این میان نگارنده به دو نمونه از کتابشناسی مولوی اشاره می‌کند: یکی اثر محمت اوندور که در سال ۱۳۵۰ش با عنوان کتابشناسی مولانا چاپ شد و دیگری کار ماندانا صدیق بهزادی که در همان سال با نام کتابنامه مولوی به چاپ رسید و سپس در سال ۱۳۸۰ش با افزوده‌های بیشتر و با نام کتابشناسی مولوی مرکز نشر دانشگاهی آن را تجدید چاپ کرد. این کتاب حاوی نقاط قوت و ضعفی است که نگارنده می‌کوشد به آنها اشاره کند.

– پیشه و فرهنگ (گروه‌های پیشه‌وری بر اساس مثنوی معنوی)، یزدان فرخی

مثنوی مولوی اثر بسیار جدی مولانا در قلمرو عرفان است و در این زمینه تحقیقات بسیاری انجام شده است. اما تاکنون در مورد اهمیت نگاه و نظر مولوی درباره اساس پیشه‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای بررسی مستقلی انجام نشده است. به عبارت دیگر، همه تحقیقات به همان موضوع اصلی مد نظر شاعر محدود شده است. این مقاله با فرضیه وجود دیدگاه و نظر خاص مولوی در مورد اساس پیشه‌ها در مثنوی به جمع‌آوری پیشه‌های در مثنوی پرداخته و تلاش کرده است تا به بسط دیدگاه مولوی در این زمینه بپردازد.

– سه نسخه کهن مثنوی مولوی از یک کاتب، عارف

نوشاهی در این گفتار دو دستنویس از مثنوی مولوی محفوظ در کتابخانه ملک عبدالعزیز (مدینه) معرفی شده است: ۱. نسخه نخست در گنجینه بشیرآغا به شماره ۲۳۹/۸۵ (بشیرآغا) که به خط نسخ محمدبن عیسی الحافظ المولوی قونوی در رجب ۷۷۰ ق به قطع رحلی در ۱۶۰ برگ کتابت شده است.

– شرح «اسرار» بر مثنوی معنوی شریف، رضا مصطفوی

سبزواری شرح مثنوی تألیف حاج ملاهادی سبزواری متخلص به «اسرار» از شرح‌های ارزشمند مثنوی محسوب می‌گردد که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. به عقیده «اسرار» ابیات مثنوی معنوی متأثر از قرآن مجید و احادیث است و به طور کلی آبخشورهای اسلامی دارد. از جمله روش‌های درخور توجه «اسرار» در شرح ابیات مثنوی، بهره‌گیری از سایر ابیات مثنوی برای تأیید موضوع آن بیت‌هاست و

۲. نسخه دوم در مجموعه محمودیه به شماره ۲۹۷۱ (محمودیه) که به خط نسخ کاتب مذکور در اوائل ذی‌الحجه ۷۸۷ ق به قطع رحلی تحریر شده است. کاتب در این نسخه پس از ترقیمه، روی برگ‌های اضافی چند مطلب یادداشت کرده، که بسیار مهم است: ۱. وصیت‌نامه مولانا ۲. تعداد ابیات سروده‌های مولانا ۳. تاریخچه‌های تولد و وفات: ولادت و وفات مولانا، ولادت و وفات سلطان ولد، ولادت و وفات چلبی عارف.



– تأثیر مولوی بر اندیشه محمد اقبال لاهوری، تحسین فراقی

این مقاله می‌کوشد تأثیرات اندیشه مولوی را در آثار اقبال لاهوری، با تفاوت زمانی هفتصدساله، نمایان سازد. در این راستا هر دو شاعر را منتقد گذشته و حال، و امیدوار به آینده می‌داند و اشارات مکرر اقبال را به اشعار مولوی در جای‌جای آثارش، دلیل تأثیرپذیری از مولوی به عنوان تنها متفکر شرقی دانسته است و او را نه تنها در اسلوب بلکه در موضوعات شعری نیز پیرو مولوی معرفی می‌کند.

نگارنده شرایط نامساعد اجتماعی در حیات دو شاعر را دلیل دیگری بر نزدیکی و تشابه جهان‌بینی آن دو می‌داند. زیرا معتقد است حضور مغول در زمان مولوی و استعمار غرب در زمان اقبال به اشعار آن دو شکل حماسی داده است. از سوی دیگر عظمت انسانی در اشعار هر دو مورد توجه قرار می‌گیرد و عشق بیشترین بار عرفانی را به خود اختصاص می‌دهد.

– شرح دیباچه‌های مثنوی مولوی، حاج محمد حسین حسینی قزوینی شیرازی، تصحیح و توضیح: جویا جهانبخش

بسیاری مثنوی را می‌شناسند و از آن بسیار، گروهی اندک‌شمار دیباچه‌های مثنوی دفاتر شش‌گانه آن را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. عمده اهتمام شارحان مثنوی نیز به کلام منظوم مولانا معطوف بوده است. یکی از معدود مولوی‌پژوهان روزگاران دور که تک‌نگاری‌ای یکسره درباره دیباچه‌های مثنوی پرداخته، حاج

محمدحسین حسینی قزوینی از ادیبان و شاعران و صوفیان نامدار روزگار قاجاریان است. در این پژوهش متن شرح او بر این دیباچه‌ها به همراه مقدمه‌ای در نقد حال وی و توضیحاتی درباره این شرح پیش روی خوانندگان نهاده می‌شود.

– بررسی دیدگاه تنی چند از مستشرقان در خصوص آراء و افکار مولانا، نازیلا اصلانپور

نویسنده این مقاله می‌کوشد دیدگاه برخی از مستشرقان غربی نسبت به آراء و افکار و تعالیم عرفانی مولانا را در قالب مباحثی چون عشق، جبر و اختیار، سیر تکامل انسان، وحدت وجود، وجود و عدم، فنا و بقا و... نقد و بررسی کند؛ مستشرقان بزرگی چون رینولد نیکلسون، آنه‌ماری شیمل، ویلیام چیتیک، فرانکلین لوئیس، ژان کریستوف بورگل، آرتور جان آربری، ژوزف هامر پورگشتال، فردریش روکرت، ادوارد هنری وینفیلد، هلموت ریتر، الکساندر بوزانی، کنستانتین برونر، که بخش عمده زندگی علمی و پژوهشی خود را صرف تحقیق در افکار و احوال و آثار مولانا کرده‌اند و به نوعی مولوی‌شناس محسوب می‌شوند. به عنوان نمونه رینولد نیکلسون خاورشناس انگلیسی و متخصص در عرفان و تصوف اسلامی که شاهکار وی تصحیح و ترجمه مثنوی معنوی همراه با شرح کامل آن است؛ یا آنه‌ماری شیمل شرق‌شناس و مولوی‌شناس پراوازه آلمانی که با نکته‌سنجی و موشکافی دقیق، اندیشه‌های والای عرفانی مولانا را در قالب کتاب‌ها و مقالات خود به جهان غرب عرضه داشته است.

مراکز عرضه آثار و منشورات این مرکز:

تهران: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۲۱۷، تلفن: ۶۶۹۵۵۸۹۵
قم: پل حجّتی، ابتدای خیابان شهید محمد منتظری، جنب فروشگاه بسیج، جنب کوچه هشت، فروشگاه میراث مکتوب،
تلفن: ۷۷۴۵۱۶۵ - ۰۲۵۱

اصفهان: خیابان چهارباغ، دروازه دولت، فرهنگسرای اصفهان، تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹ - ۰۳۱۱
خیابان چهارباغ پایین، روبروی تربیت‌بدنی، مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه علمی اصفهان،
تلفن: ۲۲۲۲۷۸۱ - ۰۳۱۱

شیراز: خیابان طالقانی، روبروی موزه پارس، کتابخانه احمدی، تلفن: ۲۲۲۸۴۳۱ - ۰۷۱۱

در دست انتشار

چین نامه

چین نامه ترجمه محمد زمان نقاش، نقاش برجسته ایرانی در قرن یازدهم هجری از کتاب هیأت اعزامی مسیحیان به چین یکی از منابع مهم در تحقیقات چین و ایرانشناسی است. هیأت اعزامی مسیحیان به چین کتاب تاریخی ارزشمندی است که نیکولاس تریگولت آن را بر اساس یادداشت‌های ماتئو ریچی درباره چین در سال ۱۶۱۵م به چاپ رسانید. ماتئو ریچی کشیش ایتالیایی بسیار معروف و تأثیرگذار در تاریخ سلسله مینگ و تاریخ تحول علوم چین در قرن هفدهم میلادی بود. وی حدود سی سال در چین زندگی کرد و زبان چینی را فراگرفت و بدین وسیله به تحقیق و مطالعه متون قدیمی، آداب و رسوم و قوانین چین پرداخت و اسناد درجه یک بسیاری، از دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات شخصی خود را ثبت کرد. در اواخر عمر، او به زبان ایتالیایی یادداشت‌هایی درباره تاریخ چین، چگونگی ورود مبلغان یسوعی به چین و فعالیت‌ها و تجربیات آنها در ترویج مسیحیت به‌طور مفصل و موثق نگاشت و تا آخرین روزهای زندگی این کار را ادامه داد. بعد از مرگ او، نیکولاس تریگولت این یادداشت‌ها را تنظیم کرد و همراه با پیوستی درباره نیکوکاری‌های ماتئو ریچی و گزارش مراسم تشییع او، کتاب پنج بابی را به زبان لاتینی با عنوان هیأت اعزامی مسیحیان به چین انتشار داد. از آنجا که این اثر بزرگ فصل جدیدی را در روابط چین و اروپا گشود، از زمان چاپ آن به بعد به زبان‌های گوناگون برگردانده شده و بسیار مورد توجه و عنایت مردم، تاریخ‌نگاران و محققان جهانی قرار گرفته است و نفوذ آن در ادبیات، علوم، فلسفه، دین و مذهب و زندگی اروپایی بیش از همه آثار تاریخی دیگر در قرن هفدهم میلادی بوده است.

در قرن یازدهم هجری محمد زمان، نقاش معروف دوره صفویه باب اول این کتاب را با عنوان تاریخ چین از لاتینی به فارسی ترجمه کرد. با تحقیق و بررسی تاکنون دو نسخه از این کتاب فارسی شناخته شده است: یکی نسخه خطی متعلق به مجموعه کوزن در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال و دیگری نسخه چاپی کلکته. از مقابله این دو نسخه بر می‌آید که هر دوی آنها را از یک نسخه رونویسی کرده‌اند.

متن ترجمه فارسی چین‌نامه شامل ده فصل و دربرگیرنده موضوعاتی چون قلمرو و محصولات، علوم انسانی و طبیعی، نظام و ارگان‌های دولتی، مذاهب و اعتقادات و آداب و رسوم چین است که از لحاظ تاریخی ارزش خاصی دارد. بنابراین از مدت‌ها قبل به عنوان اثر تاریخی ارزشمند در محافل علمی ایران شناخته شده بود، اما تاکنون به دلایل گوناگون مورد ویرایش و پژوهش قرار نگرفته است.

این اثر پایان‌نامه دکتری نگارنده این یادداشت (لو جین) در گروه ادبیات دانشگاه تهران بوده است. علاوه بر تصحیح متن کتاب چین‌نامه بر اساس دو نسخه موجود و تطبیق آن با ترجمه‌های چینی، انگلیسی و ایتالیایی و ذکر برخی از موارد اختلاف، بخش‌های دیگری نیز بررسی و تحقیق شده که عبارت‌اند از شرح حال محمدزمان و آثار او، شرح حال ماتئو ریچی و نقد و ارزیابی آثار او، بررسی نسخه اصلی کتاب هیأت اعزامی مسیحیان به چین و نسخه‌های ترجمه آن، یادداشت‌هایی درباره متن کتاب چین‌نامه و توضیح مطالب مبهم و پیچیده، بررسی کتاب از لحاظ سبکی، توضیح اصطلاحات و واژه‌های دشوار در قسمت واژه‌نامه، و در پایان، جز نمایه، پیوستی نیز مشتمل بر تصاویر و نقاشی‌ها آمده است. این نخستین اثری است که در مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ می‌رسد که در آن از نسخه بدل‌هایی به چند زبان دیگر هم استفاده شده است.

لو جین (پکن)

دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران

تاریخ بیهق

تاریخ بیهق اثر ابوالحسن علی‌بن زید بیهقی معروف به ابن‌فندق، از مهمترین و درخشان‌ترین تاریخ‌های محلی ایران است. تاریخ‌نگاری محلی یکی از شاخه‌های مهم تاریخ‌نگاری است که از دیرباز مورد توجه مورخان بوده است. این شاخه از تاریخ در ایران بسیار پر بار و غنی بوده است، تا آنجا که آثار زیادی در این زمینه نوشته شده است و برای نمونه تنها ابوالحسن بیهقی تا روزگار خود از هفده کتاب تاریخ محلی یاد می‌کند.

در میان تواریخ محلی تا سده ششم، تاریخ بیهق ابن‌فندق جایگاهی برجسته و کم‌مانند دارد. همان‌گونه که



گزارش میراث

از نام این کتاب برمی آید، درباره سرگذشت ناحیه بیهق (سبزوار کنونی) است و شرح احوال بزرگان و نامداران این منطقه را دربر دارد. در واقع این کتاب یک جغرافیای تاریخی است که بسیاری از زوایای تاریک ناحیه بیهق و بخش‌هایی از خراسان آن روزگار را روشن می‌سازد.

از برجستگی‌های مهم تاریخ بیهق آگاهی‌ها و دانستنی‌هایی است که نویسندگان درباره برخی از بزرگان و نامداران ناحیه بیهق به دست داده است. برای نمونه بیشترین اطلاعات ما درباره ابوالفضل بیهقی، برگرفته از تاریخ بیهق است و پاره‌ای از بخش‌های از میان رفته تاریخ بیهقی از طریق کتاب ابن‌فندق به دست ما رسیده است. همین‌طور این اشاره ابوالحسن بیهقی به نخستین پارسی‌سرایان ناحیه بیهق و نیز گویش بیهقی و شاعرانی که به آن گویش شعر می‌سروده‌اند، خود در شمار دانستنی‌های گرانبهایی است که در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شود و بی‌تردید این آگاهی‌ها برای زبانشناسان و نویسندگان تاریخ ادبیات گرانسنگ خواهد بود. تا آنجا که می‌دانیم از این کتاب تنها سه نسخه برجا مانده است:

۱. نسخه لندن. این نسخه که در سال ۱۳۳۵ق نوشته شده است، از دیگر نسخه‌ها قدیمی‌تر و کاملتر است. تنها نقص آن افتادگی دو صفحه‌ای در اواخر کتاب است.

۲. نسخه تاشکند. تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۵۷ق است و در آغاز افتادگی دارد. در نیمه ابتدایی کتاب، این نسخه از نظر درستی عبارات و به‌ویژه اشعار عربی بر دو نسخه دیگر برتری دارد اما در یک‌سوم انتهایی کتاب اغلب اشعار عربی حذف شده است. بنابراین برخلاف نظر بسیاری از پژوهندگان پیشین این نسخه از نظر تصحیح اهمیت فوق‌العاده و چشمگیری ندارد.

۳. نسخه برلین. این نسخه در سال ۱۲۶۵ق در لکهنو رونویسی شده و همانند نسخه تاشکند از ابتدا ناقص است. در این نسخه تصرفاتی از کاتب دیده می‌شود.

تاریخ بیهق پیش از این دو بار به چاپ رسیده است. نخستین بار در سال ۱۳۱۷ش زنده‌یاد احمد بهمنیار این کتاب را بر اساس دو نسخه لندن و برلین تصحیح کرد. او تعلیقاتی بسیار اندک اما سودمند بر کتاب افزود.

در کل باید تصحیح بهمنیار را قیاسی دانست. او در بسیاری از موارد، در تعلیقات خود به نادرستی‌هایی اشاره

کرده، اما درست آنها را وارد متن نکرده است. در ذکر نسخه‌بدل‌ها نیز چندان وسواس نداشته و در بسیاری جاها که خود متن را به‌درستی خوانده، نسخه‌بدل اشتباه یا دگرگون‌شده را نوشته است. بهمنیار بجز فهرستی از عنوان‌های اصلی، متن هیچ نمایه یا فهرستی برای کتاب فراهم نکرده است. بنابراین خواننده به نام‌های یادشده در کتاب، اعم از نام‌های کسان و جاها، دسترسی ندارد. از این گذشته هیچ‌یک از ابیات عربی متن — که کم هم نیستند — اعراب‌گذاری و ترجمه نشده است.

تصحیح دیگری که از این کتاب وجود دارد، به سال ۱۹۶۸م در هند و به کوشش دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی فراهم شده است. مهمترین برتری این تصحیح بهره‌گیری از نسخه تاشکند، افزون بر دو نسخه دیگر است. با این همه اشتباهات راه‌یافته به این تصحیح بسیار بیشتر از کار بهمنیار است، چرا که او آشکارا به نام‌های تاریخی و جغرافیایی مسلط نبوده و آشنایی کافی با ادبیات عرب نداشته است.

خطاهای فراوان این تصحیح و نیز چاپ بهمنیار نویسنده این یادداشت را واداشت تا پایان‌نامه خود را به این کار اختصاص دهد. متن فراهم شده پیراسته و منقح است و در حد امکان از خطاهای دو تصحیح قبلی برکنار مانده است. همچنین تعلیقاتی گسترده برای این کتاب فراهم آمده که شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی و شرح نام‌های تاریخی و جغرافیایی.

۲. شرح و مقایسه رویدادهای تاریخی کتاب همگام با دیگر کتاب‌های تاریخی.

۳. اعراب‌گذاری و ترجمه ابیات عربی و نیز یافتن سراینندگان و منابع آنها.

۴. یافتن مآخذ مثل‌های عربی کتاب.

۵. به دست‌دادن منابع حدیث‌های موجود در کتاب.

گفتنی است در سال ۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م پژوهشگر برجسته، یوسف الهادی برگردان عربی این کتاب را با مقدمه‌ای ارزشمند و در خور و نیز حواشی سودمند به چاپ رساند. هرچند در متن و حواشی او لغزش‌هایی به چشم می‌خورد، اما نگارنده در پژوهش حاضر از کار وی بسیار بهره برده است.

سلمان ساکت

Saket_Salman@yahoo.com